

دو دیدگاه متفاوت درباره ساماندهی بخش کشاورزی

بخش آخر



اشاره:

با توجه به دیدگاه‌های متفاوتی که درباره اداره امور اقتصادی کشور و از جمله کشاورزی وجود دارد، به نظر می‌رسد آگاهی از این دو دیدگاه برای علاقمندان به امور اقتصادی کشور به ویژه کشاورزی خالی از فایده نباشد. از اینرو دو دیدگاه متفاوت از سوی آقایان دکتر مصطفی مهاجرانی که از جمله محققین پرسابقه و مجرب کشاورزی کشور است و سال‌ها تجربه در این زمینه پشت‌سر دارد و مهدی ناظری ارایه شده است که به دلیل طولانی بودن دیدگاه دوم، ادامه آن در این بخش از نظرتان می‌گذرد.

ادامه دیدگاه دوم

از دکتر مصطفی مهاجرانی

ز- ایجاد سازمان‌های عمران منطقه‌ای

در مناطق محروم:

گرچه مفهوم و روش‌های برنامه‌ریزی و عمران ناحیه‌ای در جهان نسبتاً جدید می‌باشد ولی حرکت‌هایی که براساس آن از سال ۱۳۳۴ تحت عنوان بنگاه عمران دشت مغان، سازمان عمران خوزستان، سازمان عمران منطقه جنوب شرقی کشور، سازمان‌های عمران قزوین، جیرفت، کهگیلویه و بویر احمد، سر پل ذهاب و گرگان آغاز شد و هسته اصلی کار در این مورد جلب مشارکت مردم بود ولی این موضوع یعنی جلب مشارکت مردمی به فراموشی سپرده شد. بنابراین نتیجه مورد نظر بدست نیامد. با توجه به اینکه بحث در مورد این سازمان‌ها در حوصله این مقاله نیست فقط به بررسی کلی سازمان عمران دشت قزوین که جنبه کشاورزی آن بر فعالیت‌های دیگر می‌چربد می‌پردازیم.

زلزله شهریور ماه ۱۳۴۱ تعدادی از قراء دشت قزوین را منهدم نمود. بدنبال این حادثه، تصمیم گرفته شد که بازسازی روستاهای زلزله زده دشت قزوین آغاز گردد. در پی این تصمیم سازمان مستقل عمران دشت قزوین بوجود آمد. از مهندسين مشاور

و آنجا عمران برای مازراعت می‌کند یا این چاه مال ما و آن چاه مال عمران است. در دو هزار هکتار باغی که سازمان عمران بدون توجه به شرایط اقلیمی محل بصورت اشتراکی ایجاد کرده بود، زارعین مداخله‌ای نداشتند و حتی حاضر به قبول رایگان آنها هم نبودند. بدون آنکه حتی یک مورد از امور روستاها بخود زارعین و یا تعاونی‌های آنها واگذار گردد با داشتن نزدیک به ۱۲۰۰ نفر پرسنل و صرف حدود یک میلیارد تومان و اثر بسیار ناچیزی در توسعه منطقه همچنان بکار خود ادامه می‌داد.

طراحان اولین برنامه عمرانی کشور که به تصویب دولت رسید ولی مجلس شورا آنرا تصویب نکرد، اقدامات بالا را که توسط دولت در بخش کشاورزی انجام شده بود بشرح زیر مورد ارزیابی قرار دادند:

- چون جامعه روستایی نهادینه نشده و تعاونی‌های روستایی نتوانستند جایگزین مالک شده و مدیریت، اعتبار و تخصص را تامین کنند، نظام سنتی تولید بهم ریخت و نظام کار زراعی که بصورت جمعی به کشت و کار و مرمت و نگهداری قنوات و سایر منابع آب و نحوه تقسیم حقان می‌پرداخت از هم گسیخت و بطور کلی تمام تعاونی‌ها تحت سرپرستی و مدیریت دولت درآمد و اینکار همچنان به قوت خود باقی است.

- ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی بوسیله دولت و دادن سهم به زارع احساس مالکیت

اسرائیلی نهال خواسته شد که برای عمران دشت قزوین طرح‌هایی را ارایه دهند. سازمان موظف گردید که اداره امور عمران دهات را از طریق تعاونی‌های روستایی بنحوی انجام دهد که بعد از دو سال از شروع عملیات، اداره امور روستاها به عهده خود مردم و تعاونی‌های آنها واگذار شود. بجای جلب مشارکت مردم، بار کلیه هزینه‌های مربوط به دوش اعتبارات عمرانی دولت گذارده شد و عملیات عمرانی غلط و نامناسب با شرایط منطقه به اجرا درآمد. به طوری که ۱۲۵ ده در یک محدوده ۴۴۰ هزار هکتاری برای عمران انتخاب گردید که در واقع این کار طرحی بود برای استهلاک هر چه بیشتر و سریعتر وسائط نقلیه و لوازم و ماشین‌آلات کشاورزی. به علت حفر بی‌رویه چاه‌ها، آبدهی قنوات از ۲۰۰ میلیون متر مکعب در سال ۱۳۴۱ به ۵۵ میلیون متر مکعب در سال ۱۳۴۷ و آبدهی چاه‌ها از ۷۰ میلیون متر مکعب در سال ۱۳۴۱ به ۲۷۵ متر مکعب رسید. در حالی که هزینه‌های چاه و قنوات قابل مقایسه نبوده و همه هزینه چاه‌ها هم از اعتبارات عمرانی دولت پرداخت می‌شد در حالی که هزینه قنوات توسط کشاورزان تامین می‌گردید. این حرکات دوگانگی عجیبی بین مردم و سازمان عمران ایجاد کرده بود که از کلمات و جملات روستاییان داخل طرح عمران قزوین کاملاً شنیده می‌شد "اینجا خودمان زراعت می‌کنیم

زمین را از زارعان سلب نموده و تعداد معدودی از زارعان بصورت مزدور و کارگر ساده زراعی باقیمانند و بقیه به شهرها مهاجرت نمودند. مدیریت این واحدها به صورت دولتی بوده و همچنان باقی است. هزینه‌های هنگفتی از خزانه مملکت برای این واحدها صرف گردید.

- سوق دادن بخش عظیمی از اعتبارات دولت و بانک‌ها به سوی واحدهای بزرگ و محروم ماندن واحدهای دهقانی از این اعتبارات سبب شد که بخش دهقانی برای تامین نیازهای خود به نزول خواران و واسطه‌ها و سلف خرهای شهری متوسل شده و بهره‌های سنگینی بابت وام‌های خود پرداخت نمایند.

- با صرف اعتبارات هنگفت بدون توجه به بازده اقتصادی، اجتماعی و فنی، واحدهای بزرگ دولتی، خصوصی و خارجی به مقیاس‌های استثنایی در جهان (از لحاظ وسعت) ایجاد شد.

- با چنین برداشتهایی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشاورزان به ظاهر از اهمیت خاص برخوردار و به عنوان محور رشد و توسعه انتخاب شده و شور و شوق فراوان برای اصلاح وضع کشاورزی به منصفه ظهور رسید. هدف اصلی نیز ظاهراً احیای کشاورزی کشور و افزایش تولیدات کشاورزی به منظور خودکفایی تعیین شد.

- جو بوجود آمده و حاکم موجب شد که اقدامات زیر صورت پذیرد:

- با رای اعضا ۸۸ شرکت از ۹۳ شرکت سهامی زراعی ایجاد شده منحل گردید.

- شرکت‌های کشت و صنعت ایجاد شده در خوزستان به صورت داخلی و خارجی منحل و اراضی آنها به تصرف وزارت کشاورزی درآمد.

- ۲۱ شرکت از ۳۹ شرکت تعاونی تولید روستایی بنا به رای اعضا این شرکت‌ها منحل گردیدند.

- بهره‌برداری‌های بزرگ که با اعتبارات سیستم بانکی به وجود آمده بودند صحنه را رها کردند و غالب آنها مصادره گردیدند.

- شرکت‌های تعاونی روستایی بدون آنکه انقلاب در آنها اثری بگذارد همچنان در

تیول سرپرستان دولتی و اتحادیه آنها بوسیله مدیران دولتی اداره می‌شوند و از این راه هزینه هنگفتی به خزانه دولت تحمیل گردیده و زارعین عضو هم نتیجه‌ای از آنها بدست نیاوردند.

۳- انقلاب و جامعه روستایی:

با پیروزی انقلاب اسلامی و طرفداری ظاهری که از بخش کشاورزی بعمل می‌آمد تصور می‌شد که جامعه روستایی نهادینه خواهد شد و می‌تواند از طریق نهادهای خودجوش اداره امور خود را بعهده گرفته و از شر مامورین دولت که این جامعه را تیول خود دانسته و همه تصمیمات را به جای آنها می‌گرفتند نجات یابد. ولی متأسفانه نه تنها این نقیصه در جامعه روستایی رفع نگردید بلکه شرایطی بوجود آمد که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

الف- بلاتکلیفی مالکیت و اداره امور زمین:

با وجود ۹ بار قانونگذاری در مورد زمین، معهنا وضع مالکیت اراضی بدون توجه به مقدار آن هنوز تثبیت نگردیده و اراضی زارعین پیوسته برای تغییر کاربری در معرض تجاوز واحدهای مختلف از آن جمله سازمان زمین شهری، سازمان جنگل‌ها و مراتع، هیات‌های هفت نفره، واحد اراضی وزارت کشاورزی و شهرداری‌ها قرار گرفته، بطوری که هیچ یک از مالکین اراضی صرفنظر از مقدار اراضی مورد تملک خود تأمینی برای آینده ندارند.

ب- نظام‌های بهره‌برداری جدید:

تعاونی‌های تولیدی کشاورزی مشاع نظام بهره‌برداری جدیدی است که توسط هیات-های هفت نفره واگذاری زمین ابداع و پس از تصویب قانون واگذاری و احیاء اراضی مصوب شورای انقلاب از سال ۱۳۵۹ ایجاد شد. هدف اصلی از ایجاد واحدهای تولیدی مشاع آن بود که نفرات واحدهای کوچک معیشتی به حداقل رسانده شود، بی آنکه زمین از مالکیت زراعی که بر روی آن کار می‌کند خارج شود. یکی از شرایط عضویت

در این تعاونی‌ها آنست که عضو مشاعی باید حتماً زارع بوده و روی زمین کار کند. در ضمن باید کوشش بعمل آید تا افراد به نحوی انتخاب شوند که حتی نیازی به استخدام کارگر نباشد. بررسی‌های انجام شده در ۵۸۴ گروه مشاع در استان کرمان نتایج زیر را نشان می‌دهد.

- تنها ۸ گروه مشاع در استان کرمان اراضی خود را تفکیک و تقسیم کرده‌اند و بصورت واقعی فعالیت مشاعی دارند. بقیه گروه‌ها جملگی اراضی خود را تقسیم کرده‌اند.

- این نتیجه حاصل شده است که اگر کشت به صورت اجباری یکپارچه باشد در آن صورت نیز اختلافاتی از نظر فعال و غیرفعال بودن اعضا ایجاد می‌شود.

- در مورد مالکیت تراکتور به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت صحیح در کارکرد آن اعمال نمی‌شود و نگاهداری از آن به خوبی انجام نمی‌شود.

- ۹۷ درصد اعضا واحدهای مشاعی فاقد هرگونه تخصص و مهارت خاص بوده‌اند.

- ۱۷ درصد واحدهای مشاعی برای شخم مزارع و یا کار در مزارع چغندر و جالیز و یا هنگام برداشت محصول گندم از نیروی کار غیرعضو استفاده کرده‌اند.

- موضوع ارث در واحدهای مشاعی هنوز نامشخص است و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود در آینده مشکل ایجاد خواهد شد.

- عرضه خدمات به اعضای واحدهای مشاعی دچار بی‌نظمی زیاد است و بعلت بی‌توجهی در ارائه خدمات این عده از کشاورزان تهی‌دست مانده‌اند و عملکرد آنها موفقیت‌آمیز نیست.

ج- توسعه کشت و صنعت:

عملکرد گذشته این نوع واحدها را می‌توان در نامه‌ای که به تاریخ ۵۵/۱۰/۲۰ بانک توسعه کشاورزی ایران (سابق) به شورای عالی این بانک نوشته است جستجو نمود: این بانک به منظور حفظ حقوق خود از نظر مطالباتی که از شرکت‌های کشت و صنعت دارد و نیز در تلاش به‌خاطر اجرای طرح‌های کشت و صنعت تصمیم گرفت با انجام تشریفات قانونی لازم، موارد رهن وثیقه

مطالبات خود را که تقریباً کلیه لوازم و مستحقات و اموال شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد تملک کند و حق استفاده از زمین‌های محل اجرای طرح‌ها را که در اجاره شرکت‌هاست به خود منتقل ساخته، راساً و یا از طریق عقد قرارداد با یکی از شرکت‌های خدمات، مدیریت اداره طرح‌ها را به عهده گیرد. در اجرای نظر مذکور، این بانک مبادرت به صدور اجراییه نموده و عملیات اجرایی در دست انجام است.

با توجه به عملکرد بسیار ناموفق انواع کشت و صنعت‌ها که دولت به نحوی از آنها در آنها درگیر بود، وزارت کشاورزی مجدداً وارد معرکه شد و این بار ۱۲۰ هزار هکتار از اراضی که قسمت عمده آن زیر کشت بود و توسط زارعین در آنها کار می‌شد، مصادره، تصرف و یا خریداری کرد. برآورد اولیه سرمایه مورد نیاز حدود ۴۰۰ میلیارد ریال و ۱/۵ میلیارد دلار بود. دوره پنجساله اول تمام شد و پنج سال دوم هم تمام شد ولی هنوز دستگاه اجرایی ذریبند در خم یک کوچه است. در حالی که دو واحد موجود کارون و هفت تپه پس از چندین سال هنوز تولید آنها به نصف ظرفیت اسمی آنها نرسیده است. اگر این منابع و زمین‌ها در اختیار زارعین قرار می‌گرفت هم بیکاری کاهش و هم بهره‌وری افزایش می‌یافت و هم نیاز به واردات کاهش چشم‌گیری می‌یافت.

د- نگاهی به تعاونی‌های غیردولتی بعد از پیروزی انقلاب

طراحان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربه‌های تلخ عملکرد بخش‌های دولتی و خصوصی به این نتیجه رسیده بودند که باید راه سومی را انتخاب کرد که باعث جلب مشارکت تعداد کثیری از افراد جامعه شود. از اینرو نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی پی‌ریزی شد. گرچه دولتی کردن کلیه امور سرعت زیادی پیدا کرد ولی راه تعاونی نیز مورد توجه قرار گرفت به ویژه آنکه مساله فرار صاحبان کارخانه‌ها، جنگ تحمیلی و تعطیلی

واحدهای تولیدی، بیکاری قشر عظیمی از مردم به ویژه جوانان تصمیماتی در این زمینه اتخاذ شد. آنچه مربوط به گذشته بود مانند شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید روستایی غالباً به درخواست اعضا منحل شدند. تعاونی‌های روستایی هم به همان صورت قبل از انقلاب یعنی دولتی باقی ماند و بعد از سی و پنج سال سرمایه هر یک از اعضا تعاونی‌های روستایی هنوز به ۴۰۰۰۰ ریال نمی‌رسد.

تعاونی‌های بخش تعاون که به فعالیت‌های کشاورزی اشتغال دارند بالغ بر ۵۰۰۰ تعاونی هستند که در چهار رشته زراعت، جنگل و مرتع، دام و طیور، تکثیر و پرورش میگو و ماهی فعالیت دارند. تا پایان سال ۱۳۷۵ این نوع تعاونی‌ها دارای ۷۴۲۱۱ نفر عضو و کلاً سرمایه آنها بالغ بر ۱۰۸/۶ میلیارد ریال بوده است، به طور متوسط هر یک از اعضا دارای سرمایه‌ای بالغ بر ۱/۴ میلیارد ریال بوده که قابل مقایسه با تعاونی‌های روستایی دولتی که کمتر از ۴۰۰۰۰ ریال است (حدود سی برابر) نیست.

ه- چگونگی شکل دادن به جامعه روستایی بخش کشاورزی

از آنچه تاکنون مورد بحث واقع شد این نتیجه عاید می‌شود که بعلت روابط موجود بین دولت و کشاورزان و چهل و پنج سال مدیریت مستقیم دولت در بخش کشاورزی و عدم توجه به فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای آموزش زارعین به منظور به عهده گرفتن مسوولیت اداره امور خود در برخورداری از حداقل حقوق یک شهروند، بصورت فقیرترین قشر جامعه در آمده و از فرآیند توسعه بکلی محروم مانده‌اند. این اغماض و فراموشی جامعه روستایی توسط دولت باید بنحوی جبران و زمینه لازم برای تحقق جامعه روستایی فراهم گردد.

با توجه به مطالب فوق ساماندهی بخش کشاورزی به منظور شکل دادن به جامعه روستایی در این بخش قطعی به نظر رسیده و ضروری است که نسبت به جامعه شهری در اولویت قرار گرفته و به نکات زیر توجه لازم مبذول گردد:

۱- اداره و تصمیم‌گیری در روستاها بایستی مستقل از دولت بوده و توسط روستائینان صورت گیرد.

۲- براساس واگذاری کار مردم به مردم و جلب مشارکت هر چه بیشتر زارعین، ساختار دولت در بخش کشاورزی باید مورد تجدیدنظر قرار گرفته و حداقل در مرحله اول، مصوبات بیست و هشتمین، سی و پنجمین و سی و هشتمین جلسات شورای عالی اداری که به بوته فراموشی سپرده شده بود بطور کامل به مرحله اجرا درآمده و امور مربوطه هر چه زودتر به کشاورزان واگذار شود.

۳- کلیه قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها و رویه‌هایی که سبب شده از سال ۱۳۴۱ زارعین بصورت اکثریتی خاموش درآمده و ناظری بی‌طرف باشند هر چه زودتر مورد بررسی قرار گرفته، لغو و یا اصلاح گردد.

۴- قانون بخش تعاون در صورت لزوم مورد تجدیدنظر قرار گرفته و شرایطی فراهم شود که کلیه تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنها از یک قانون که مورد قبول آنهاست تبعیت نمایند و سریعاً نسبت به اصلاح اساسنامه‌های خود اقدام نموده و دولت از هر نوع دخالت در امور تعاونی‌ها خودداری و فقط وظیفه راهنمایی و نظارت را بعهده داشته باشد.

۵- سازمان مرکزی تعاون روستایی با کلیه اختیارات، اموال و دارایی‌ها به جبران چهل و پنج سال عقب نگاهداشتن جامعه روستایی، بصورت بلاعوض به تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنها واگذار شود.

۶- وزارت جهاد کشاورزی و دستگاه‌های اجرایی ذریبند که به نحوی از آنها در این بخش استفاده می‌شود از مباشرت مستقیم در امور تولید معاف شده و به غیر از مزارع آزمایشی بقیه براساس ماده ۱۸ قانون بخش تعاون به تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنها واگذار شود.

۷- کارکنان این واحدها در صورت تایید صلاحیت، از دولت منفک شده و به عضویت تعاونی‌ها در آیند.

۸- کاهش تدریجی دخالت مستقیم وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و بازرگانی در

زمینه خرید و توزیع محصولات کشاورزی، به طوری که علایم بازار بطور طبیعی کار کرده و تعیین کننده کاربرد منابع باشد.

۹- زمینه‌های لازم باید برای کاهش انحصارات دولتی در زمینه تامین نهاده‌های کشاورزی فراهم گردیده و به تدریج این امور به تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنها واگذار گردد.

۱۰- کاهش تدریجی دخالت دولت در امر خرید و فروش گندم، آرد و نان، به طوری که در طی پنج سال، نیمی از مسوولیت‌های دولت در این زمینه به تعاونی‌ها و اتحادیه‌های تعاون روستایی، نانوایان، کارخانه‌داران، کامیون‌داران با نظارت هیات سه نفره نمایندگان کشاورزی، تعاون و بازرگانی واگذار شود.

۱۱- به منظور توسعه و شکوفایی این نهاد مردمی و خودجوش (تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنها) لازم است اقداماتی به شرح زیر انجام شود.

- بکارگرفتن اعضا تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنها در نقش مدیر و اداره‌کننده. این موضوع‌ها برای توسعه فعلی و آینده آنها بسیار مهم بوده و از طریق اجرای دوره‌های آموزشی کاربردی خاص قابل تامین است. به تدریج این امور باید به خود اتحادیه‌های تعاونی واگذار گردد.

- به منظور فراهم نمودن جو مناسب برای توسعه نهاد تعاونی و حمایت آنها ضروری است که واحدهایی در دولت تلاش مداومی به منظور هماهنگ ساختن سیاست‌های دولت با امور تعاونی‌ها به عمل آورده تا از تغییر سیاست‌ها صدمه‌ای متوجه این نهاد مردمی نگردد.

- سیاست‌هایی که بوسیله دولت تدوین و به مرحله اجرا در می‌آید، باید روشن، سازگار با شرایط موجود و واقع بینانه بوده و جایی برای تفسیر و تغییر باقی نمانده و این نهاد مردمی آلت فعل مامورین دولت قرار نگیرد.

- یکی از ضرورت‌های اولیه، انجام حسابرسی در شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی است زیرا از این طریق است که اعضا تعاونی‌ها با عملکرد تعاونی خود آشنا و از امور مالی آن آگاه می‌گردند. این نوع امور معمولاً در دست مامورین دولت است و

نتیجه مناسبی هم بیار نمی‌آورد. ضروری است که صورتی از شرکت‌ها و متخصصان حسابرسی تهیه و پس از تشخیص صلاحیت آنها رسماً اعلام تا تعاونی و اتحادیه‌های آنها به این موسسات و افراد صلاحیت‌دار برای امور حسابرسی خود مراجعه نمایند.

- ارایه خدمات مشاوره مدیریت مورد نیاز تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنها ضروری است که صورتی از افراد یا موسسات که دارای صلاحیت لازم هستند و مورد تایید قرار گرفته‌اند به تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنها از طریق جراید معرفی گردند تا تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنها در هنگام نیاز به آنها مراجعه کرده و براساس تعرفه‌های مربوط با آنها قرارداد امضا نمایند.

تجهیز منابع و جمع‌آوری پس‌اندازها و سپرده‌ها و تامین اعتبار از مواردی است که مشکل تامین سرمایه تعاونی‌ها را در حد زیادی برطرف کرده است. صندوق تعاون که شعب آن در سراسر کشور بوجود آمده موفق شده که با شرایط مناسب‌تری نسبت به بانک‌ها و موسسات اعتباری به جمع‌آوری سپرده‌ها و پس‌اندازهای تعاونی‌ها پرداخته و اعتبار مورد نیاز آنها را مستقیماً در اختیار تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنها بگذارد و ضروری است تا نسبت به افزایش سرمایه این صندوق اقدام لازم معمول شود.

۱۲- وزارت جهاد کشاورزی انحصاراً وظیفه ایجاد زمینه افزایش تولید محصولات زراعی، دامی و افزایش کارایی و بهره‌وری از نهاده‌های موجود، آموزش و ارتقا دانش نیروی انسانی و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را به عهده داشته و امور تجاری و فعالیت‌های تولیدی، نگاهداری، خرید، فروش و توزیع و مانند آنرا باید به مردم واگذار کند.

نتیجه

برای اثبات نظرات ارایه شده قسمتی از مصاحبه وزیر اسبق کشاورزی که در روزنامه اطلاعات چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۶ چاپ شده آورده می‌شود: "تشکل‌های بخش کشاورزی دوگروه هستند گروهی تشکل‌های

فرمانبر دولتند و یا با امکانات دولتی سروکار دارند که اینها تشکل‌های واقعی نیستند و همچنین تشکل‌هایی که با رانت دولتی و با مجوز صادرات و واردات وزارت جهاد کشاورزی سرپا هستند که اگر حرف دولت را گوش ندهند مخالفین دولت محسوب می‌شوند که اینها هم تشکل واقعی نیستند." وی افزود: "تعدادی افراد نیز هستند که تشکلی را با دولتی‌ها بوجود می‌آورند و از امتیازات ویژه‌ای برخوردار هستند که این گروه نیز واقعی نیستند."

مراجع مورد استفاده

- ۱- مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۶۸-۶۷، تهران، موسسه اطلاعات
- ۲- گزارش مورخ ۶۸/۲/۱۶، وزارت جهاد سازندگی (سابق) به سازمان برنامه و بودجه
- ۳- مارکس و مارکسیسم، ترجمه شجاع-الدین ضیاییان، انتشارات دانشگاه تهران، صفحه ۱۲۰، سال ۱۳۵۲
- ۴- دکتر موسی غنی نژاد، مجله فرهنگ توسعه، شماره ۶، صفحات ۵۵-۵۰
- ۵- مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۶-۱۲۵، موسسه اطلاعات
- ۶- مجله سنبله، شماره ۹۲، سرمقاله
- ۷- قانون تعاونی کردن تولید و یکپارچه کردن
- ۸- گزارش ارزیابی عملکرد سازمان عمران قزوین، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۴۹، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- ۹- کتاب ره‌آورد، نشریه وزارت تعاون، خردادماه ۱۳۷۶.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- گزارش مورخ ۶۸/۲/۱۶ وزارت جهاد کشاورزی به سازمان برنامه و بودجه
- ۲- مارکس و مارکسیسم، ترجمه شجاع-الدین ضیاییان، انتشارات دانشگاه تهران، صفحه ۱۲۰، سال ۱۳۵۲
- ۳- دکتر موسی غنی‌نژاد، مجله فرهنگ توسعه، شماره ۶، ص ص ۵۵-۵۰

